

تعامل پارادایم‌های پژوهشی در روش‌شناسی

■ دکتر نرگس نشاط

دانشیار و رئیس گروه پژوهش‌های توسعه‌ای کتابداری و اطلاع‌رسانی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

و کدام گروه تحلیل‌گران برتری هستند. اگرچه جهان‌بینی محققان ممکن است پارادایمی باشد ولی دانش این گونه نیست. پارادایم‌ها نقاط قوت و ضعف یکدیگر را تکمیل می‌کنند. به لحاظ تاریخمندی، در عرصه علم کلاسیک، رشته‌ها بسته به موضوع یا ابژه تحقیق متفاوت و نظریه‌ها و روش‌های متناسب با آن از هم متمایز می‌شدند؛ و یکی از مشکلاتی که کتابداری و اطلاع‌رسانی برای اثبات «علمیت» خود با آن مواجه بوده است همواره مشکل تعریف روشی است که خاص خودش باشد. اما این تلقی دیگر محلی از اعراب ندارد زیرا آنچه کتابداری و اطلاع‌رسانی سعی داشته علمیت خود را با آن بسنجد، دیگر از اعتبار لازم برخوردار نیست. اصطلاح روش که دقیقاً به معنای پیروی یک راه است به تعیین مراحل می‌پردازد که باید به ترتیب مشخصی طی شوند تا به هدف مشخصی برسند. ماهیت مراحل و جزئیات تعیین‌شان به هدف مورد نظر و تعداد راه‌های دستیابی به آن بستگی دارد؛ گرچه در گذشته، سنتاً ابژه‌های تحقیق صرفاً به کتابخانه، کتاب‌ها، سرعنوان‌های موضوعی و غیره محدود می‌شد که هر یک نیز از استقلال نسبی برخوردار بوده و واحدهایی منفرد و مجزا تلقی می‌شد؛ اما امروز دیگر این مفاهیم باید در بافت و هیئت‌های کلان‌تر و در چارچوب سیال و متغیر جریان اطلاعاتی و نسبتی که با سایر نظریه‌ها، روش‌ها، و موضوعات پژوهشی دیگر دارد، مورد مطالعه قرار گیرد. یکی از ملزومات این امر بازنگری و بازآرایی مفاهیم از طریق گسترش انتقادی واژگان کتابداری و اطلاع‌رسانی است. این گسترش مفهومی بی‌تردید به گسترش و خلق اولویت‌ها و موضوعات پژوهشی و روش‌های جدیدی خواهد انجامید. نکته دیگر حضور و پیوند واژه اطلاعات با رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی است که سبب می‌گردد حوزه‌های وسیعی از علوم، به‌طور مثال از مباحث مربوط به زیست‌شناسی گرفته تا فیزیک و ارتباطات و غیره و تعامل میان آنها در تبیین مسائل پژوهشی مد نظر قرار گیرد. گرچه شاکله اصلی کتابداری و اطلاع‌رسانی چیزی جز اطلاعات نیست اما برای اینکه رشته ما به بالندگی برسد در تبیین مسائل و مسئله‌شناسی، و روش باید گفتمان وسیع‌تری غیر از تعبیر محدود سنتی را مد نظر قرار داد. تنها با این کار است که می‌توان با اطمینان از مناسب بودن خدمات و نظام‌های خود سخن گفت. هرگاه از این زاویه بنگریم، در می‌یابیم که لازم است حرفه‌مندان کتابداری و اطلاع‌رسانی از روش‌های هر دو پارادایم پژوهشی شناخت و درک درستی داشته باشند. بدون این شناخت، دانش‌آموختگان دوره‌های تحصیلات تکمیلی مهارت و بصیرت کافی برای انجام پژوهش نخواهند داشت؛ و نیز نخواهند توانست مصرف‌کننده با بصیرت و نکته‌سنج پژوهش‌های دیگران باشند.

علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی نه به‌عنوان یک حرفه، بلکه به‌واسطه برنامه آموزشی که پشتیبانی می‌کند، رشته‌ای پژوهشی محسوب می‌شود و ارزیابی یافته‌های پژوهشی در هر حوزه، جزء اساسی برای حرفه تلقی شدن آن حوزه به شمار می‌رود؛ در کتابداری و اطلاع‌رسانی که رویکرد کاربرمداری بر خدمت‌رسانی مرجع است، بدیهی است که خدمات و نظام‌ها باید مستمراً در پرتو یافته‌های پژوهشی مورد بازنگری قرار گیرند. اما این بازنگری با استفاده از چه روش یا روش‌هایی صورت گیرد یا کدام دیدگاه کارایی مطلوب‌تری خواهد داشت، موضوع این نوشتار است.

غالباً علم را نظام جمع‌آوری، تایید، و نظام‌مدار کردن اطلاعات مربوط به واقعیت تعریف کرده‌اند. بنابراین، بدیهی است کار محقق کشف واقعیت‌های جدید و افزودن آن به انبوه اطلاعاتی است که از پیش وجود داشته است. منابع کسب دانش بسیار است؛ و سنت، آداب و رسوم، تخصص، اقتباس، آزمون و خطا، تجربه شخصی، الگوبرداری، ادراک شهودی، استدلال منطقی، و مانند آنها را دربر می‌گیرد؛ اما آنچه محقق را در نظام‌مند کردن این دانش کسب‌شده، یاری می‌رساند نوع جهان‌بینی و پارادایمی است که به کار می‌گیرد. تحقیقات نظام‌دار عمدتاً از دو پارادایم پوزیتیویستی - رویکرد کمی - و ناتورالیستی - رویکرد کیفی - تبعیت می‌کنند. پارادایم پژوهش‌هایی از این نوع، به واسطه نوع پاسخ به پرسش‌های پایه و فلسفی زیر مشخص می‌شوند:

۱. از لحاظ هستی‌شناسی: ماهیت واقعیت چیست؟
 ۲. از لحاظ معرفت‌شناسی: چه رابطه‌ای میان محقق و آنچه مورد تحقیق قرار می‌گیرد وجود دارد؟
 ۳. از لحاظ ارزش‌شناسی: فرایند تحقیق چگونه است و محقق چگونه باید دانش را بدست آورد؟
 ۴. از لحاظ لفظی: زبان تحقیق چیست؟
- پارادایم‌ها مثل عینک‌هایی هستند که در نگاه دقیق‌تر ما به جهان کمک می‌کنند و وجود هر دو مطلوب بوده و سبب ایجاد دانش جدید می‌شود.

در تحقیقات کمی (پارادایم پوزیتیویستی)، محقق کار خود را با پدیده‌ای آغاز می‌کند که قبلاً مطالعه و تعریف شده است؛ در حالی که تحقیق کیفی (پارادایم ناتورالیستی) معمولاً در مواردی انجام می‌شود که درباره آن پدیده مطالب اندکی وجود دارد یا اصلاً وجود ندارد. هدف نهایی هر دو رویکرد، شناخت بیشتر جهان و پی‌بردن به حقیقت امور است؛ و در واقع، هر دو به جمع‌آوری و تحلیل شواهد از طریق انسان می‌پردازند. بنابراین، نمی‌توان گفت کدام روش بهتر